

مقدمه

در همه افراد انسانی، میل فطری به بقا و ادامه زندگی وجود دارد. آیاتی در قرآن کریم بر وجود این میل فطری در نهاد انسان دلالت دارند (رک: مصباح، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۵۵). چنین میل مشهود، حاکی از ادامه زندگی پس از مرگ است. اگر مرگ پایان زندگی بود، آفرینش میل به بقا بیهوده به‌شمار می‌آمد. از مهم‌ترین اصول و مبانی اعتقادی ادیان الهی، باور به حیات پس از مرگ و حشر و زنده شدن مردگان پس از زندگانی این جهانی است. اعتقاد به معاد و حیات پس از مرگ انسان، در میان همه ادیان بزرگ در طول تاریخ بشر یک اعتقاد راسخ و فطری بوده است (شریعتی سبزواری، ۱۳۶۳، ص ۷؛ و نیز رک: مخلوچی، ۱۳۷۰). دین الهی بدون اصل معاد نمی‌تواند باشد و عدم وجود معاد در شریعتی، نشانه جعل یا تحریف آن دین است (سبحانی، ۱۳۶۹، ج ۹، ص ۵).

معاد دارای شاخه‌های فراوانی است که در این پژوهش تلاش شده به تبیین سه مقوله امکان، ضرورت و کیفیت معاد از منظر آیین زرتشت و تطبیق آن با دین اسلام پرداخته شود. بررسی تطبیقی میان دو دین در یک موضوع، دارای فوایدی است. از جمله اینکه موجب روشن شدن وجوه اشتراک و تمایز و آشنایی با خرافه‌ها و انحرافات که در برخی از آنها پیدا گردد، در پایان مقایسه، دین ممتاز بازشناخته می‌گردد و سبب می‌شود ایمان ما بیشتر از روی تحقیق و استدلال باشد (باهر، ۱۳۶۱، ص ۱۶). این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ به چند سؤال زیر در منابع مربوط به دین زرتشت و اسلام است:

– دیدگاه آیین زرتشت و اسلام درباره امکان، ضرورت و کیفیت معاد چیست؟

– نقاط اشتراک دو دین در این سه محور چیست؟

– موارد اختلاف دو دین در سه محور مذکور چیست؟

پیش از ورود به بحث یادآوری چند نکته ضروری است:

۱. مفروض این است که زرتشتی‌گری به‌عنوان یکی از ادیان آسمانی، که منشأ الهی دارد، محسوب می‌شود و «گات‌ها» سخنان خود زرتشت است.

۲. مواردی که در متن به بندهای گات‌ها ارجاع شده است، از ترجمه موید زرتشتی، فیروز آذرگشسب استفاده شده است. بنابراین، از نام مترجم در ترجمه هر بند خودداری می‌شود. تنها در مواردی که از ترجمه سایر افراد استفاده شود، نام مترجم بیان می‌شود. سبب گزینش ترجمه و تفسیر آذرگشسب، مزایایی بود که در این اثر دیده می‌شد. از جمله اینکه در شرح‌واژه‌های اوستایی

بررسی تطبیقی امکان، ضرورت و کیفیت معاد در دین زرتشت و اسلام

کسب سیدمحمد حاجتی شورکی / دانشجوی کارشناسی ارشد دین‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

mjafari125@yahoo.com

محمد جعفری / استادیار گروه کلام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۴/۶/۲۲ - پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۷

چکیده

باور به معاد، از اصول اساسی ادیان الهی است. موضوع این نوشتار، بررسی تطبیقی امکان، ضرورت و کیفیت معاد از منظر دین زرتشت و اسلام است. دین زرتشت مانند اسلام، معتقد به حیات پس از مرگ و رستاخیز مردگان بوده و در متون اوستایی و پهلوی در موارد متعددی به حیات پس از مرگ و دوری نهایی اشاره شده است. این نوشتار، پس از تبیین سه محور امکان، ضرورت و کیفیت معاد از دیدگاه دین زرتشت و اسلام، به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌ها در این زمینه پرداخته است. از جمله شباهت‌های دو دین در آموزه معاد، می‌توان به ضرورت معاد و اعتقاد به معاد جسمانی و روحانی اشاره کرد. فراوانی بحث معاد در متون اسلامی، در مقایسه با متون زرتشتی، عدم طرح رستاخیز مردگان در اوستا و ذکر آن در قرآن، از جمله تفاوت‌ها به‌شمار می‌آید. این مقاله، با روش تطبیقی و تحلیلی تدوین یافته و تأکید آن در ارائه مباحث بر قرآن، اوستا و متون پهلوی است.

کلیدواژه‌ها: زرتشت، اسلام، معاد، امکان معاد، تن پسین، معاد جسمانی.

از نظرات سایر اوستاشناسان مشهور مانند بارتولومه، میلز، تاراپوروالا، کانگا، بهرام گور انکلسریا و پورد/وود استفاده کرده است.

۳. برای آنکه قضاوت و مقایسه تطبیقی بدون پیش داوری باشد، نویسنده یک بار تمام اوستا و بیشتر متون پهلوی را مرور و مطالعه نموده و در قسمت گات‌های اوستا، به سبب منسوب بودن آن به شخص زرتشت، علاوه بر ترجمه، تمام دو جلد تفسیر گات‌های فیروز آذرگشسب را نیز مطالعه نموده و در برخی موارد، از تفسیر دیگر مفسران اوستا مانند پورد/وود نیز بهره برده است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. متون پهلوی

آثار پهلوی، رساله‌ها و متن‌هایی به زبان پهلوی است که مبتنی بر روایات و سنت‌های دینی و ادبی زرتشتیان در عصر ساسانیان است. بیشتر این متون در قرن‌های سوم و چهارم هجری تدوین شده‌اند (آموزگار، ۱۳۸۲، ص ۲۷؛ زهر، ۱۳۸۴، ص ۲۸) اما تعیین زمان تألیف اوستا، بیش از هر چیز مربوط به یافتن زمان زرتشت است که با همه بررسی‌های انجام‌شده توسط محققان هنوز در هاله‌ای از ابهام است. (آذرگشسب، ۱۳۸۴، ص ۲۵؛ قدیانی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۵) آثار پهلوی، از این جهت که شرحی درباره روایات و باورهای زرتشتی است (برعکس اوستا که بیشتر صورت سروده‌های مقدس دینی دارد)، بر متون اوستایی برتری دارد و آگاهی بیشتری درباره باورهای زرتشتیان به ما می‌دهد و آنچه که از اوستا به صورت مجمل یا مختصر بیان شده، به تفصیل تشریح و تفسیر می‌کنند (بهار، ۱۳۸۲، ص ۵۶؛ کریستن سن، ۱۳۸۸، ص ۱۹؛ بویس، ۱۹۸۵، ص ۱۷؛ مهرین، ۱۳۶۱، ص ۵۷).

۱-۲. معاد، امکان و کیفیت

معاد در لغت مصدر میمی به معنای عود و بازگشت (مرتضی الزبیدی، ۱۳۰۶ق، ج ۲، ص ۴۳۶) و یا اسم زمان یا اسم مکان به معنای زمان یا محل عود است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۹۴).

واژه معاد در اصطلاح متکلمان در دو معنای عام و خاص به کار می‌رود: معنای عام آن شامل همه مباحث عالم پس از مرگ می‌شود و در معنای خاص آن تنها سرای قیامت و آخرت مراد است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۷۸). که در این نوشتار، منظور از معاد، معنای خاص آن است.

مراد از امکان معاد، امکان رستاخیز و زنده شدن مردگان است. ضرورت معاد در واقع پاسخ به این پرسش است که چه ضرورتی دارد که امر معاد به وقوع بپیوندد؟ آیا دلیل نقلی یا عقلی بر ضرورت معاد در متون مقدس اسلام و زرتشت وجود دارد؟

منظور از کیفیت معاد در اینجا این است که معاد حتمی‌الوقوع، معاد جسمانی و روحانی است یا روحانی فقط. اگر گفته شود که روح پس از جدا شدن از بدن، به هر دلیل دوباره بدن بازنمی‌گردد و در نتیجه روح به تنهایی و بدون تعلق به بدن مبعوث می‌شود، در این صورت، معاد فقط روحانی خواهد بود ولی اگر گفته شود که خدای متعال روح را به همراه بدن برمی‌انگیزاند، در این صورت معاد جسمانی و روحانی خواهد بود؛ زیرا موجود برانگیخته‌شده مرکب از دو چیز روح و جسم است و هر کدام معادی دارد (سبحانی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۸).

در این نوشتار، در مواردی که معاد جسمانی به تنهایی بیان می‌شود، مراد «معاد جسمانی و روحانی» است.

۲. معاد زرتشتی

باور به جاودانگی روح و جهان واپسین، از آموزه‌های اساسی و بنیادین دین زرتشت است (خورشیدیان، ۱۳۸۷، ص ۶۹؛ شاهرخ، ۱۳۸۰، ص ۸۶؛ آذرگشسب، ۱۳۶۵؛ هینلز، ۱۳۷۱، ص ۹۷). کسی که به سه اصل توحید، نبوت و معاد معتقد نباشد، کافر است (خورشیدیان، ۱۳۸۶، ص ۸۱). به گفته برخی، زرتشت کمتر از پایان جهان و مسائل آن سخن به میان آورده است و تأکید فراوان وی بر زندگی اخلاقی و مسالمت‌آمیز در دنیا بوده است (نیکنام، ۱۳۸۵، ص ۱۲۷؛ خداوندی، ۲۵۳۶، ص ۶۲؛ جعفری، ۱۳۵۳، ص ۹۶). با این حال، در سروده‌های زرتشت و سایر کتاب اوستا، در موارد متعددی از روز واپسین، روز قضاوت و داوری، کیفر و پاداش، بهشت، جهنم، سعادت و خوشبختی در جهان دیگر، سخن به میان آمده است (ر.ک: گاهان: ۲:۲۸؛ ۳:۳۰؛ ۸:۳۱ و ۱۴ و ۲۰؛ ۸:۳۲؛ ۱:۳۳؛ ۶:۵۱ و ۱۳؛ یسنا: ۶:۱۹، ۶:۴۱ و ۳:۷؛ ویسپرد: کرده هفتم، بند ۱؛ وندیداد: فرگرد چهارم، بند ۵۰-۵۴).

۲-۱. امکان معاد

واژه «رستاخیز» از لغت ایریست آمده که در پهلوی ریستک و ریسته و ریست به معنای مرده و درگذشته است و رستاخیز به معنای برخاستن مردگان است (اشیدری، ۱۳۷۱، ص ۲۹۴). از اصول اساسی الهیات زرتشتی، باور به رستاخیز عمومی مردگان است (بویس، ۱۹۹۱، ج ۳، ص ۳۶۶؛ شهزادی، ۱۳۶۷، ص ۱۸؛ نیکنام، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳؛ برای آگاهی از حوادث رستاخیز در دین زرتشتی، ر.ک: قلی‌زاده، ۱۳۸۷، ذیل واژه رستاخیز). با

مراجعه به متون اوستایی، موردی که آشکارا دلالت بر امکان رستاخیز و زنده شدن مردگان کند، یافت نشد. فرهنگ مهر، دانشمند زرتشتی می‌نویسد: «گات‌ها و اوستا رویداد دوباره زنده شدن مردگان را نمی‌شناسند. در گات‌ها درباره زنده شدن مرده‌ها مطلقاً چیزی نیست» (مهر، ۱۳۷۴، ص ۱۰۹-۱۱۰؛ رک: قدردان، ۱۳۸۶، ص ۹۲؛ عدلی، ۱۳۸۹، ص ۳۳). منظور این است که بند یا بندهایی در خصوص زنده شدن مردگان در اوستا وجود ندارد، نه اینکه اوستا منکر رستاخیز مردگان باشد؛ چراکه رستاخیز مردگان لازمه داوری، حسابرسی اعمال و کیفر و پاداشی است که در بندهای متعدد اوستا به آن اشاره شده است. اما در آثار پهلوی سخنانی میان زرتشت و /هورامزدا/ مطرح شده است که بیانگر امکان معاد و قدرت خداوند بر رستاخیز مردگان است:

زردشت {از اورمزد} پرسید که: آنکه بگذشت (= بمرد)، سگ و پرنده (تن او را) از هم متلاشی کرد و گرگ و کرکس ببرد، چگونه دوباره به هم رسند؟ اورمزد گفت که: اگر تو که زردشتی، آن‌گاه که تو را ساختن سیدی چوبین لازم باشد، پس برای تو ساختن آن چگونه آسان‌تر باشد؟ اگر چوب نبود و تا باید آن را ببری و بسازی (آسان‌تر است)، یا که سید بود (اما) چوبش از یکدیگر جدا بود و دوباره ساختن لازم بود؟ زردشت گفت که: اگر (حتی) یک‌تکه چوب بودی، آسان‌تر بودی تا که چوب نبودی؛ و اگر چوب سید نبودی آسان‌تر بودی تا که سید نبودی. اورمزد گفت: این آفریدگان را، آن‌گاه که نبودند توانستم آفریدن و اکنون که بودند (اما) آشفتمند (=متلاشی شدند) دوباره ساختن آسان‌تر است؛ زیرا مرا پنج انباردار است، پذیرنده تن در گذشتگان. یکی زمین که نگهدارنده گوشت و استخوان و پی مردمان است. یکی آب که نگهدارنده خون است. یکی گیاه که نگهدارنده موی تن و سر است. یکی روشنی که پذیرنده آتش است. یکی این باد که جان آفریدگان را هنگام فرسگرد باز دهد... برای من به هم ساختن و بازآفریدن آسان‌تر از دوازده آفرینشی است که در آغاز آفریدم (گزیده‌های زاد سپهرم، فصل ۳۴ بند ۷-۱ و بند ۲۰).

زرتشت از /هورامزدا/ از امکان رستاخیز مردگان سؤال می‌کند و هورامزدا پاسخ می‌دهد اگر کسی به خلقت جهان ایمان دارد ایمان به رستاخیز برای او آسانتر است. آفرینش آسمان، زمین، خورشید، ماه، ستارگان، گیاهان و رنگ‌های آنها و بو و مزه آنها و آتشی که در درون آنهاست و کودکانی که در زهدانند و پرندگانی که در آسمان و آب و ابرها، بسیار دشوارتر است. از بازآفریدن این چیزها در زمان رستاخیز. مرور بر چیزی که می‌دانسته‌ای و فراموش کرده‌ای، بسی آسان‌تر است از یادگیری چیزی نو که پیش‌تر هیچ از آن نمی‌دانسته‌ای.

چنین گوید که زرتشت از اورمزد پرسید که تنی را که باد برد و آب به حرکت درآورد، از کجا دوباره سازد و رستاخیز چگونه بود؟ اورمزد چنین پاسخ کرد: هنگامی که من آسمان را بی‌ستون به مینویی ایستاده دور کرانه، روشن و از گوهر خماهن ساختم، هنگامی که من زمین را آفریدم که همه جهان مادی را ببرد و او را نگهدارنده‌ای مادی نیست. هنگامی که من خورشید و ماه و ستارگان را در فضا به صورت

اجسام روشن به حرکت درآوردم، هنگامی که غله را آفریدم که در زمین پراکنند و باز روید و به افزون باز بود هنگامی که من در گیاه رنگ گونه گونه آفریدم... یکی یکی ایشان را چون من آفریدم، دشوارتر بود رستاخیز کردن. چه مرا در رستاخیز یاری چون ایشان هست. چون ایشان را که نبودند آفریدم بنگر که چون آنچه را نبود آن‌گاه ساختم، پس آنچه را بود، چرا نشاید باز ساختن (بندهش، بخش بیست و ششم، بند ۷۱-۷۳؛ و نیز رک: روایت پهلوی، فصل ۵۲، ص ۶۶).

در روایات داراب هرمزد نیز تصریح شده است که خداوند در روز رستاخیز، به سبب قدرت خویش مردم را زنده می‌کند (روایات داراب هرمزد، ۱۹۲۲، ج ۱، ص ۱۴۹).

بنابراین، با توجه به متون پهلوی، امکان معاد در آیین زرتشت، به سبب قدرت خداوند بر خلقت نخستین، کار سختی نیست و خداوند قادر است چیزی را که پیش‌تر بوده و از بین رفته، دوباره زنده کند. به عبارت دیگر، بازسازی از نوسازی آسانتر است.

۲-۲. ضرورت معاد

پس از امکان معاد، بحث از ضرورت معاد از دیدگاه دین زرتشت مطرح می‌شود. به عبارت دیگر، پس از امکان ذاتی معاد، به بررسی امکان وقوعی معاد از دیدگاه دین زرتشت می‌پردازیم. در تاریخ مقدسی آمده است که در ابتدای کتاب زرتشت، نوشته شده است: «فیکمازهم بهسته هرمز و بشتاسپندان و فیکمازهم رستخیز» و معنی رستخیز فنی فقم (مقدسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۳). و معنای عبارت این است: بی‌گمان باش به وجود هرمز و امشاسپندان و بی‌گمان باش به رستاخیز (حسینی علوی، ۱۳۱۲، ص ۵). اینکه در چنین شهادت‌نامه کوتاهی، رستاخیز را کنار وجود هورامزدا و امشاسپندان آورده‌اند، نشان از اهمیت رستاخیز در دین زرتشت است (شاکد، ۱۳۸۷، ص ۴۹). مراد مقدسی از ابتدای کتاب زرتشت، روشن نیست. اگر مراد اوستای فعلی (متأخر)، که مشتمل بر گات‌ها و سایر کتب اوستایی است، در ابتدای آن چنین مطلبی دیده نشد، مگر اینکه مراد اوستای متقدم باشد که به آن دسترسی نداریم.

در گات‌ها، بندهایی وجود دارد که می‌توان آنها را به‌عنوان شاهد بر ضرورت معاد دانست:

ای هستی‌بخش (هورا)! برای آگاهی از تو می‌پرسم چه رویدادهایی در گذشته رخ داده و در آینده پیش خواهد آمد؟ ای مزدا! در تومار زندگانی نیکوکاران و بدکاران چه پاداش و کیفری ثبت خواهد شد و وضع آنها در روز واپسین چگونه خواهد بود (گاهان ۱۴:۳۱).

هرکس در این جهان باید برابر آیین ازلی (انسا یا راستی)، که بنیان زندگی را تشکیل می‌دهد، رفتار کند؛ زیرا رتو (رهبر روحانی) باکمال بی‌نظری و از روی وجدان نسبت به نیکان و بدان داوری خواهد کرد و کردار نیک و زشت آنها را با دقت خواهند سنجید (گاهان ۱:۳۳).

چنان‌که در آیین روز نخست فرمان رفت‌دادگر از روی انصاف با دروغ‌پرست و پیرو راستی رفتار خواهد کرد، همچنین با کسی که اعمالش با بدی و خوبی مخلوط است که تا به چه اندازه از آن درست و نادرست است (گاهان ۱:۳۳، ترجمه پوردوود، ۱۳۸۴).

زرتشت در این بند، به مردم جهان هشدار می‌دهد که هرکس باید متوجه رفتار و کردار خود باشد؛ زیرا کار نیک و بد آنها در روز واپسین داوری خواهد شد. هیچ رفتار و کرداری بدون پاداش و مجازات نخواهد ماند (آذرگشسب، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۵۰).

پوردوود در تفسیر این بند می‌نویسد: «آنچنان‌که در آیین نخستین آمده در روز داوری پسین با پیرو دروغ یا گناهکار و با پیرو راستی یا نیکوکار از روی داد رفتار خواهد شد» (پوردوود، ۱۳۸۲، ص ۱۲۲).

در پرتو اندیشه پاک روانم را به‌سوی فردوس رهبری خواهم کرد و با آگاهی از پاداشی که خدای هستی‌بخش دانا برای کارهای نیک مقرر فرموده است، کوشش خواهم کرد تا آنجا که مرا تاب و توان است مردم را بیاموزم که به راستی گرایند و درستی پیشه سازند (گاهان: ۴:۲۸).

من کوشش خواهم کرد که تا فرشته سروش (ندای وجدان) را در درونم بیدار کرده، قلبم را پرتو ایزدی روشن سازم و به این حقیقت آگاهی حاصل کنم که هرکس از گروه نیکان و بدان آنچه را سزاوار است، بدو پاداش بخشیده خواهد شد (گاهان ۱۲:۴۳).

در تفسیر این بند آمده است: باید کوشش کنید وجدان خود را که پرتوی فروغ ایزدی است، در درون خود بیدار سازید... و برابر دستور او که همان فرمان ایزدی است، رفتار کنید تا هم در این جهان خوشبخت و در جهان دیگر رستگار باشید (آذرگشسب، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۸۸).

مزدا پس از سر آمدن زندگانی در روز واپسین در کشور جاودانی خود، آنچه نیک و نغز است، به آن کسی بخشد که خوشنودی او را به‌جای آورد. همچنین زشت‌کردار را که از او نافرمان‌برداری نمود، بسزا رساند (گاهان ۶:۵۱، ترجمه پوردوود). با مشاهده بندهای مذکور گات‌ها و بندهای دیگر کتب اوستایی، که به جهت اختصار در اینجا ذکر نشد، می‌توان گفت: واقع شدن رستاخیز مردگان و معاد در نگاه زرتشت حتمی و ضروری است.

همچنین در متون پهلوی، بندهای فراوانی است که با صراحت بیشتر، دلالت بر ضرورت معاد دارند. برای نمونه، به ذکر چند مورد بسنده می‌شود: در کتاب پنجم دینکرد، که در فقره‌ای از آن درباره پیشوایان دینی و اندرزه‌های آنان آمده، اینچنین نوشته شده: آگاه بودن از ثواب و گناه و هستی آفریدگار... عقوبت گناه، بهشت و دوزخ و رستاخیز (پنجم دینکرد، فصل ۱۳، بند ۱۱)، در اندرزه‌های ائشو زرتشت آمده: «رستگاری روان از هرگونه بدی و نیز رسیدن به پاداش کامل در تن پسین» (پنجم دینکرد، فصل ۵، بند ۶). همچنین در مینوی خرد، در پاسخ به بهترین و بزرگ‌ترین کارهای نیک آمده است... به هستی ایزدان و دین و روان و بهشت و حساب سدوش و بودن رستاخیز و تن پسین، بی‌گمان بودن، اساسی‌ترین کار است، این از هر کار نیک بزرگ‌تر و بهتر است (مینوی خرد، پرسش ۳۶، بند ۱۱ و پرسش ۳۶، بند ۲۸ و پرسش ۴۱، بند ۶۴ و پرسش ۶۲، بند ۷ و ۸؛ و نیز رک: متن‌های پهلوی، فصل ۲، بند ۱۶۱۵؛ ارداویراف‌نامه، فصل ۵، بند ۷؛ خودپیت، ص ۳۳).

با مطالعه آثاری که پیرامون زرتشتی‌گری و باورهای آنان به رشته تحریر درآمده است، سخنی از برهان و دلیل عقلی بر ضرورت معاد از نگاه دین زرتشت یافت نشد. به نظر می‌رسد، می‌توان از بندهای اوستا و متون پهلوی مذکور، برهان عدالت خداوند بر ضرورت معاد، برداشت کرد. توضیح آنکه، براساس گات‌های، زرتشت انسان مختار آفریده شده است و در اختیار راه نیک و بد آزاد است (گاهان ۲:۳۰ و ۱۱:۳۱ با تفسیر آذرگشسب، ج ۱، ص ۲۲۶ و ۳۷۲). انسان‌ها با اختیار خویش در این عالم مادی، اعمال خوب و بد از آنها سرزده است. عدالت اهورامزدايي اقتضا می‌کند که به وعده خود در مورد پاداش نیکوکاران به بهشت و وعید جهنم برای بدکاران به وعده خود عمل کند (گاهان ۱۱:۳۳ با تفسیر آذرگشسب، ج ۱، ص ۶۱۸). از این رو، ضرورت دارد که سرای دیگر و روز داوری باشد تا هرکس به کیفر و پاداش هر عملی که از او سرزده است، برسد. بنابراین، در اوستا و متون پهلوی، بندهای متعددی درباره جهان واپسین و کیفر و پاداش است که می‌توان از آنها به‌عنوان دلیل تعبدی و نقلی بر ضرورت معاد استفاده کرد و هم برهان عدالت، که برهان عقلی بر ضرورت معاد است، استنباط کرد.

۳ - ۲. کیفیت معاد

همان‌گونه که در اوستا آشکارا سخنی از رستاخیز و زنده شدن مردگان به میان نیامده است، همچنین بند یا بندهایی که حاکی از کیفیت رستاخیز - رستاخیز جسم و روح یا روح به‌تنهایی - باشد. یافت نشد و

در تفاسیر کتب اوستایی، به ویژه گات‌ها نیز هیچ اشاره‌ای به این مطلب نشده است. تنها برخی مفسران گات‌ها، در ذیل بندهایی که مربوط به بهشت و جهنم است، به بحث روحانی یا مادی بودن پاداش و کیفر و نه کیفیت رستاخیز مردگان، در دین زرتشت پرداخته‌اند (ر.ک به: آذرگشسب، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۹۸ و ۲۴۷ و ۴۳۲؛ ج ۲، ص ۴۹۶).

با اینکه در اوستا سخنی از کیفیت رستاخیز نیامده است، اما «بر طبق اسطوره‌شناسی پیشرفته متون پهلوی، همه انسان‌ها در هیئت جسمانی و روحانی بازآفرینی خواهند شد و داوری نهایی را خواهند گذراند» (ویلیامز، ۱۹۹۷، ص ۲۹). در متون پهلوی، روایاتی دال بر معاد جسمانی وجود دارد:

پس هر مزد و امشاسپندان، همه ایزدان و مردمان در یک جای باشند و ستاره و ماه و خورشید و آتش بهرام نیز هریک به پیکر مردی نیرومند و همه مرد پیکر شوند و به زمین آیند - آنگاه هر مزد کامل‌کننده آفرینش شود و پس از آن کاری نباید کرد. مردم به تن و سن مانند چهل ساله، همه انوشه، بی‌مرگ، بدون پیری، تباه نشدنی و فاسدنشدنی باشند... نیکویی تن پسین، جز آنچه در بالا نوشته شد، چنان است که به دانش و خرد مردم، سامان آن دانستن و گفتن نشاید (روایت پهلوی فصل ۴۸، بند ۹۹-۱۰۳).

در گزیده‌های زاد سپرم آمده است:

زردشت از اورمزد پرسید: موجودات مادی که در زمین درگذشتند در هنگام فرسکرد دوباره تئدار (=دارای تن) باشند یا مانند جان (=جاندار) اهرمزد گفت: دوباره تئدار باشند و برخیزند... به سبب استواری بازآفرینی همه چهره‌ها در پایان به آغاز همانند باشند، چنان‌که مردم که هستی آنان از تخم (=نطفه) است، از نطفه به وجود آیند و گیاهان که هستی آنان از تخمک است، کمال پائینی {آنها نیز} با همان تخم است (گزیده‌های زاد سپرم، فصل ۳۴، بند ۲۴).

سوشیانس پیروزگر برخواند که برخیزید دارای تن هستید، از آن زمان که درگذشتید ایزدان شما را نگهداری کردند... در پاسخ این خواندن یک پنجم درگذشتگان از زمین برخیزند دارای کالبد و جان به بالا و چهره مانند هنگامی که درگذشتند از آن زمین که جانشان از تئداری (=تن را تعلق داشتن) بیرون آمد (گزیده‌های زاد سپرم فصل ۳۵: بند ۲۰ و بند ۲۳؛ بندش، بخش بیست و ششم، بند ۷۲-۷۳).

توضیح «فرسکرد»: (در اوستا فرسکردتی) به معنای جهان نوساخته در پایان دوره دوازده هزار ساله عمر عالم از نگاه کیش زرتشت و برقراری همیشگی پاکی و راستی و پرهیزگاری یا نوسازی جهان و دین پس از برخاستن سوشیانت‌ها و پاک کردن جهان از تمام نیروهای اهریمنی است (دوستخواه، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۰۲۱).

بر اساس متون پهلوی جشن نوروز، که موسم آن نزدیک با بازگشت بهار و زنده شدن گیاهان و درختان مرده است، جلوه‌ای از رستاخیز بدن است (بویس، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷؛ ر.ک: مزدپور، ۱۳۹۱، ص ۹۵).

در توضیح واژه «تن پسین»، که در متون پهلوی به کار رفته است، باید گفت: این واژه اصطلاحی است که معمولاً همراه رستاخیز و مترادف با آن به کار می‌رود (راشد محصل، ۱۳۶۹، ص ۸۱). مراد از «تن پسین»، تنی است که در پایان جهان موجودات با آن برانگیخته می‌شوند. این تن جاودانه می‌ماند (مزدپور، ۱۳۸۲، ص ۱۰۴؛ راشد محصل، ۱۳۸۲، ص ۱۱۲؛ بهار، ۱۳۷۶، ص ۴۰). در دین زرتشت، «جسد معاد یافته» را به پهلوی «تن پسین» می‌نامند. تن پسین از واجبات دین بوده است و در متون اوستایی، واژه‌ای برای تن پسین نیامده است (بویس، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۲۸ و ۳۴۱). در پاورقی کتاب *زند و هومن یسن*، تصریح شده است که مراد از «تن پسین»، معاد جسمانی است (هدایت، ۱۳۴۲، ص ۳۳).

پس آنچه که از متون پهلوی درباره کیفیت معاد زرتشتی به دست می‌آید، معاد جسمانی است.

در پایان این بخش، به ارائه دو دیدگاه از دانشمندان در مورد معاد زرتشتی می‌پردازیم:

بنابر نظر بیشتر زرتشت‌پژوهان و دانشمندان زرتشتی، معاد در آیین زرتشت، معاد جسمانی و روحانی است؛ یعنی همه انسان‌ها در هیئت جسمانی و روحانی بازآفرینی خواهند شد و در واپسین روز - روز داوری - حضور دارند (مزدپور، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹؛ باقری، ۱۳۸۵، ص ۵۶؛ شاکد، ۱۹۸۵، ج ۸، ص ۵۶۷؛ ویدن‌گرن، ۱۳۸۱، ص ۱۹۸؛ زرنر، ۱۳۸۴، ص ۴۵۸ و ۴۶۲؛ قدردان، ۱۳۸۶، ص ۹۳).

مری بویس، زرتشت‌پژوه مشهور، می‌نویسد:

از جمله اندیشه‌های آخرت‌شناسی زرتشت، تعلیم او درباره «تن پسین» بود که در روز آخرت استخوان‌های مردگان دوباره ملیس به گوشت خواهند شد و توسط روح حیات دوباره خواهند گرفت (روحی که جدا از جسم وجود داشته در بهشت یا جهنم یا برزخ، بر اساس داوری فردی که بلافاصله پس از مرگ بر او شده است)... باور به معاد جسمانی از بخش‌های ضروری عقیده داوری نهایی (واپسین) بود (بویس، ۱۹۹۱، ج ۳، ص ۳۶۵-۳۶۶؛ همو، ۱۳۷۷، ص ۱۱۹)... زرتشت نخستین کسی بود که باورهای چون داوری و قضاوت درباره افراد، وجود بهشت و دوزخ و رستاخیز آینده بدن‌ها، داوری نهایی همگانی و زندگی جاوید برای روان و تن دوباره بهم پیوسته (نو پیوسته) را به بشریت تعلیم داد. (بویس، ۱۹۸۵، ص ۲۹).

این ادعای بویس، که زرتشت نخستین فردی بود که این آموزه‌ها را به بشریت تعلیم داد، در جای خود قابل تأمل و بررسی است.

دیدگاه دیگر در باب کیفیت معاد در زرتشت این است که معاد زرتشتی، در ابتدا روحانی بوده، ولی در عصر ساسانیان معاد و رستاخیز جسمانی در این آیین زرتشت به وجود آمده است (مهرین، ۱۳۶۱، ص ۸۳). مؤلف کتاب *روح اسلام* می‌نویسد: «برخی در اینکه آیا آئین زرتشت از ابتدا به معاد جسمانی اعتقاد داشتند، یا نه تردید کرده‌اند. افرادی مانند دالینگر و برنآف معتقدند که این فکر واقعاً زرتشتی نبود

و اگر از عبری مشتق نشده باشد، بعداً رشد یافته است» (علی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۰). برخی سبب این تغییر رویکرد را، تأثیرگذاری ادیان دیگر بر دین زرتشت می‌دانند (رضائیان حق، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱). علاوه بر دلیل مذکور، می‌توان دو شاهد دیگر بر دیدگاه دوم، معتقدین به تغییر رویکرد از روحانی به جسمانی، ارائه کرد: شاهد اول از بین رفتن اوستا و جمع‌آوری دوباره آن در عصر ساسانیان است. در پاورقی خرده / اوستا آمده است:

در عهد باستان، اوستا دارای ۲۱ نَسک یعنی ۲۱ کتاب بوده و هر نسکی درباره موضوع ویژه‌ای نوشته شده است... هنگام حمله اسکندر مقدونی به ایران، سواى نسخه‌هایی از اوستا که در دست مردم بود، دو نسخه کامل اوستا موجود بود که یکی در دژنیش واقع در تخت جمشید پایتخت سلاطین هخامنشی و نسخه دوم در گنج شیزگان واقع در آتشکده آذرگشسب (در نزدیکی دریاچه ارومیه) محفوظ بود. نسخه اول، هنگام آتش زدن اسکندر به کاخ پادشاهان هخامنشی طعمه آتش گردید و نسخه دوم را یونانی‌ها به یغما برده و بنا بقولی به یونانی ترجمه نموده‌اند. قرن‌ها بعد پادشاهان ساسانی به جمع‌آوری و تنظیم کتب پرداخته از نو سروسورتی به آن دادند (آذرگشسب، ۱۳۵۴، ص ۴۸-۴۴؛ و نیز ر.ک: دارمستر، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵؛ اشیدری، ۱۳۷۱، ص ۳۶).

این کلام شاهدهی بر ادعای تغییر رویکرد در کیفیت معاد است؛ زیرا به تصریح مهرداد مهرین در زمان ساسانیان، معاد جسمانی در دین زرتشت ظاهر گردید؛ زمانی که بازنویسی و تنظیم دوباره کتب اوستایی صورت گرفته است.

شاهد دوم، تغییر و تحولاتی است که در زمان ساسانیان در دین زرتشت رخ داده است (ر.ک: دارمستر، ۱۳۸۲، ص ۱۹۶ و ۲۰۶-۲۰۵). از این رو، برخی معتقدند: باید بین باورهای اعتقادی شخص زرتشت با باورهای کنونی، که در دین زرتشت موجود است، تفاوت قائل شد؛ زیرا در دوران ساسانیان مطالب تازه‌ای به باورهای دینی زرتشتیان اضافه شد. از آن جمله، مسئله رستاخیز و سرنوشت انسان پس از مرگ بود (آسموسن، ۱۳۸۹، ص ۸۷). در *تعلیقہ بر الملل و النحل* شهرستانی آمده است: «معتقدات زردشتیان نسبت به معاد و روز رستاخیز و جزا و سنجش گناه و ثواب باگذشت زمان بسط و تطور و تحول یافته است» (شهرستانی، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۳۹۴). در این تعلیقہ، گرچه خصوص زمان ساسانیان مطرح نشده، اما اصل تغییر و تحول باورهای اخروی دین زرتشت از آن به روشنی فهمیده می‌شود. بنابراین، دیدگاه دوم با شواهدی که بیان شد، سازگاری دارد و قابل توجه است. البته بنابر هر دو دیدگاه، معاد زرتشتی از عصر ساسانیان به بعد، معاد جسمانی بوده است. حاصل اینکه، با توجه به متون پهلوی و دیدگاه مشهور دانشمندان، معاد دین زرتشت، معاد جسمانی بوده است.

۳. معاد اسلامی

اعتقاد به رستاخیز و زندگی پس از مرگ، از نظر قرآن مسلم است. آیات بسیاری بر آن دلالت دارد. چنان‌که در قرآن سوره‌ای به نام «قیامت» نام‌گذاری شده است و در بیشتر سوره‌های قرآن، به صورت اشاره یا تصریح، از جهان اخروی یاد شده است (سبحانی، ۱۳۶۹، ج ۹، ص ۵). در میان کتاب‌های آسمانی، تنها قرآن کریم است که درباره روز رستاخیز به تفصیل سخن رانده است و درصدها مورد با نام‌های گوناگون، روز رستاخیز را به اجمال یا تفصیل یاد کرده است و منکر معاد را کافر دانسته است (طباطبایی، ۱۳۴۸، ص ۱۰۲؛ همو، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱۴). در خصوص واژه «معاد» در قرآن باید گفت: مشتقات ماده (عود) در قرآن بسیار به کار رفته است (انبیا: ۱۰۴؛ نمل: ۶۴؛ روم: ۱۱، روم: ۲۷؛ یونس: ۴). اما واژه «معاد» در قرآن تنها یک‌بار به کار رفته است «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيْهِ مُعَادٌ» (قصص: ۸۵). اگرچه در معنای معاد به کاررفته در این آیه، میان مفسران اختلاف است؛ برخی معاد در این آیه را به معنای عود پس از مرگ یا آخرت پنداشته، ولی بیشتر مفسران مراد از «معاد» در این آیه را، معاودت به همان مکانی (مکه) که پیامبر اکرم از آنجا مهاجرت کرده بودند، دانسته‌اند (فخررازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲۵، ص ۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۹ق، ج ۷، ص ۴۲۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۸۸). از آنجاکه بحث‌های فراوانی پیرامون معاد در متون مقدس اسلامی و در میان مفسران و متفکران اسلامی صورت گرفته است، از ورود تفصیلی به مباحث معاد اسلامی خودداری می‌شود. سعی می‌شود تا امکان، ضرورت و کیفیت معاد، تنها با توجه به آیات قرآن بیان شود و به سبب فراوانی آیات، ناگزیر در هر قسمت، به پاره‌ای از آیات قرآن اشاره خواهد شد.

۳-۱. امکان معاد

در قرآن آیات فراوانی گویای امکان معاد و زنده شدن دوباره مردگان است که می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد:

۱. آیاتی که دلالت دارد آفرینش نخستین بشر به فرمان خدا صورت گرفته است و زنده شدن دوباره آنان، مشکل‌تر از آفرینش نخستین آنها نیست: «قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ» (یس: ۷۹؛ ر.ک: روم: ۲۷؛ ق: ۱۵؛ عنکبوت: ۱۹؛ اعراف: ۲۹).
۲. آیاتی که خداوند در آنها، جریان آفرینش جهان هستی برای مردم ترسیم و قدرت خود را بازگو فرموده است: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَ جَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَآبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا لُكْفُورًا» (اسراء: ۹۹؛ ر.ک: مومن: ۵۷؛ احقاف: ۳۳؛ یس: ۸۱).

عنکبوت: ۲۰). یکی از عوامل انکار معاد، عدم شناخت صحیح منکران از قدرت مطلقه الهی است. خداوند متعال در این آیه، ضمن اشاره به نادرست بودن این گونه برداشت‌ها، صاحبان چنین پندار را به قدرت خویش توجه داده است.

۳. آیاتی که درباره زنده شدن زمین است که می‌تواند نمونه‌ای حسی و آشکارا بر امکان زنده شدن مردگان باشد. این پدیده، هر سال تکرار می‌شود و با روییدن گیاهان و سبز شدن درختان، چهره‌ای نو بر همگان ظاهر می‌شود: «فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (روم: ۵۰؛ نیز: روم: ۱۹؛ فصلت: ۳۹؛ فاطر: ۹؛ حج: ۶۵؛ ق: ۱۱-۹؛ اعراف: ۵۷).

۴. آیاتی که مراحل اولیه شکل‌گیری انسان و سرانجام، تکامل جنین به صورت انسان کامل را نمونه‌ای روشن بر امکان معاد می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُمْ مَّن يَتُوفَىٰ وَ مِنكُمْ مَّن يَرُدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمَرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مَن بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ آتَبَتُ مِّن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (حج: ۶۵؛ ر.ک. مومنون: ۱۶-۱۲؛ قیامت: ۲۷-۴۰؛ نجم: ۴۵-۴۷؛ عبس: ۱۷-۲۲).

۵. دسته پنجم، آیاتی است که سرگذشت‌هایی از نمونه‌های عینی زنده شدن مردگان را برای بشر نقل می‌کند: «وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (بقره: ۵۶-۵۵). این آیه درباره گروهی از یاران موسی علیه السلام که می‌خواستند خدا را آشکارا به چشم ببینند، نازل شده است. این گروه، هفتاد نفر بودند که حضرت موسی علیه السلام برای شنیدن کلام خداوند اختیارشان کرد. آن‌گاه که سخن خدای سبحان را شنیدند، گفتند: ای موسی! ما هرگز به تو نخواهیم گروید، تا خدا را با چشم سر به‌طور آشکارا به بینیم. خدای سبحان در این هنگام، صاعقه‌ای برانگیخت و آنان را به سوخت و سپس آنان را زنده و مبعوث کرد (بحرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۲۲؛ حویزی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۸۷). همچنین وقایع دیگری نظیر مورد مذکور، مانند داستان گاو بنی اسرائیل و زنده شدن مقتول (بقره: ۷۲-۷۳)؛ داستان حزقیل نبی (بقره: ۲۴۳)؛ داستان عزیز یا ارمیای

نبی (بقره: ۲۵۹)؛ داستان حضرت ابراهیم و زنده شدن پرنندگان (بقره: ۲۶۰) و داستان اصحاب کهف (کهف: ۲۱؛ ر.ک. جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۲۱-۱۳۳).

۲-۳. ضرورت معاد

برای اثبات ضرورت معاد، دو راه عقلی و نقلی وجود دارد. هر دو راه از قرآن قابل استفاده است.

دلیل نقلی: نخستین دلیل بر ضرورت معاد، تبدلی است. قرآن که معجزه جاوید است و اعجاز آن با عقل اثبات شده است (ر.ک. خوئی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۱۱۷-۱۳۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۰-۶۴؛ معرفت، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۶)، خبر از وقوع حتمی معاد داده است. آیات قرآن در این زمینه، فراوان دیده می‌شود. برای نمونه، به دو آیه در این زمینه اشاره می‌شود: «زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن لَّن يُعْتَبُوا قُلُوبُهُمْ وَ رَبِّي لَتَأْتِيَنَّهُمْ عَالَمٌ الْغَيْبِ لَا يُعْزَبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ وَ لَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (سبأ: ۳؛ ر.ک. یونس: ۵۳؛ نحل: ۳۸؛ لقمان: ۳۳؛ فاطر: ۵؛ زمر: ۲۰).

دلیل عقلی: در قرآن افزون بر آیات و (ادله نقلی)، آیات دیگری نیز وجود دارد که به براهین عقلی بر ضرورت معاد اشاره دارد. نظیر برهان توحید، برهان صدق، برهان فطرت، برهان حرکت و هدف‌داری، برهان حکمت، برهان رحمت، برهان حقیقت، برهان عدالت، برهان تجرد روح (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۳۷-۱۶۸؛ خرازی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۷-۱۸۲).

برای رعایت اختصار، در اینجا تنها به تبیین برهان عدالت، که از براهین قطعی مستفاد از آیات قرآن است، می‌پردازیم:

پروردگار عالم، آفرینش جهان را بر اساس حق، عدالت، احسان و حکمت بنا نهاده است. عالم دنیا ظرفیت پاداش کامل انسان‌ها، اعم از نیکوکار و بدکار را ندارد. بنابراین، عدالت خداوند ایجاب می‌کند که جهان آخرت باشد تا در آن عدل و داد برپا و حساب همگان تسویه گردد. اگر روز قیامتی در کار نباشد، تا بدان به کیفر کردار ناشایست برسند، و پاکان به پاداش کردارهای نیک خود برسند لازم‌ه‌اش برابری ظالم و عادل است. این امر با صفت عدل الهی و نظام احسن ربانی سازگار نیست. از این‌رو، خداوند می‌فرماید: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» (ص: ۲۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۱۹۷).

بنابراین، در قرآن هم ادله نقلی و هم ادله عقلی بر ضرورت و حتمی بودن وقوع معاد وجود دارد و به اندازه‌ای آیات در این زمینه فراوان است که جای هیچ شک و تردیدی وجود ندارد.

کیفیت معاد

مشهور بین فلاسفه، متکلمان و محققان اسلامی، اعتقاد به معاد جسمانی و روحانی است (قدردان قراملکی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۵). به عقیده برخی از دانشمندان، معاد جسمانی از ضروریات دین اسلام است (حلی، ۱۳۵۱، ص ۵۶۴). در قرآن، تنها معاد جسمانی عرضه شده است؛ به این معنی که به هنگام رستاخیز جسم و روح باهم در آن جهان بازمی‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۰۷). این مطلب، با توجه به چند دسته از آیات روشن می‌شود:

۱. آیاتی که می‌فرماید: انسان از زمین آفریده شده و بدان بازمی‌گردد و سرانجام از آن بیرون آورده خواهد شد «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (طه: ۵۵؛ رک: نوح: ۱۸؛ روم: ۲۵؛ اعراف: ۲۵).

۲. آیاتی که حشر مردگان را بیرون آمدن از قبرها می‌داند: «وَ نُفِخُ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ» (یس: ۵۱؛ رک: قمر: ۷؛ معارج: ۴۳؛ حج: ۷؛ انفطار: ۴؛ عادیات: ۹).

۳. آیاتی که بر شهادت دادن اعضای بدن در روز قیامت دلالت دارد: «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَ آيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نور: ۲۴؛ رک: یس: ۶۵؛ فصلت: ۲۰).

۴. آیاتی که می‌فرماید: پس از سوختن پوست‌های اهل دوزخ، پوستی دیگر به آنها می‌دهیم: «إِنَّ الْأَذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَاراً كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُوداً غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزاً حَكِيماً» (نساء: ۵۶؛ محمد: ۱۵). و آیات دیگری که دربارهٔ مواقف و مراحل قیامت و پاداش و کیفر وارده شده است، به صورت قطعی دلالت دارد که انسان معاد جسمانی و روحانی دارد (سبحانی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۳). خلاصه اینکه از منظر قرآن، معاد جسمانی و روحانی خواهد بود و شواهد فراوانی از آیات بر آن دلالت دارد.

۴. بررسی و تطبیق

اکنون پس از تبیین آموزه امکان، معاد و کیفیت معاد از دیدگاه اسلام و دین زرتشت، به مقایسه به بیان مشابهت‌ها و تفاوت‌های موجود در این زمینه می‌پردازیم:

۴-۱. شباهت‌ها

آموزه معاد، از اصول اساسی هر دو دین اسلام و زرتشت به‌شمار می‌آید.

– امکان معاد و قدرت خداوند بر آفرینش دوباره انسان‌ها در روز رستاخیز مورد اتفاق هر دو آیین است.

– دشوارتر نبودن زنده کردن مردگان از آفرینش نخستین آنها، شیوهٔ استدلال هر دو دین درباره امکان معاد است.

– در قرآن و اوستا و متون پهلوی، دلایل نقلی که نشان از ضرورت وقوع معاد است، وجود دارد.

– برهان عدالت خداوند بر ضرورت معاد، از متون مقدس دین زرتشت و اسلام قابل برداشت است.

– انسان‌ها در روز رستاخیز، با شکل جسمانی و روحانی بازآفرینی خواهند شد. به عبارت دیگر، معاد جسمانی و روحانی خواهد بود.

۴-۲. تفاوت‌ها

– اولین تفاوت چشمگیر میان قرآن و متون اوستایی و پهلوی، فراوانی آیات قرآن دربارهٔ معاد، در مقایسه با این متون است. حدود یک‌سوم آیات قرآن (حدود دو هزار آیه)، درباره معاد نازل شده است (مصباح، ۱۳۷۶، ص ۴۴۳) و بارها در آیات قرآن، ایمان به روز جزا در کنار آیات ایمان به خدا آمده است. این امر نشان از اهمیت معاد از منظر قرآن دارد. در آیات قرآن، معاد با نام‌های گوناگون یاد شده است. همچنین در آیات فراوانی از چگونگی رستاخیز مردگان، وضع و حالت انسان‌ها در روز رستاخیز و قیامت، کیفر و پاداش الهی، بهشت و جهنم و صدها مورد دیگر از جزئیات پیرامون معاد در آیات قرآن دیده می‌شود. درحالی‌که بحث معاد در متون مقدس زرتشتی، در مقایسه با بحث معاد اسلامی، بسیار اندک است. تأکید زرتشت بیشتر بر زندگی اخلاقی و مسالمت‌آمیز در دنیا بوده است. مری بویس می‌نویسد: «درباره این مسئله دینی (آخرت و رستاخیز) در اعتقادات اخیر زرتشتیان چیزی به تفصیل و جزئیات نمی‌بینیم» (بویس، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷). همچنین اگر به احادیث اسلامی پیرامون معاد مراجعه شود، احادیث فراوانی در این زمینه وجود دارد: به‌عنوان نمونه، در کتاب حدیثی بحار الانوار، سه جلد از آن (جلد ۶، ۷ و ۸)، به معاد و جهان پس از مرگ اختصاص یافته است. علاوه بر این، باید توجه داشت در عالم اسلام، علاوه بر تفاسیر قرآنی که در ذیل آیات معاد می‌توان از آنها بهره برد، آثار فراوانی دربارهٔ خصوص موضوع معاد اسلامی به رشته تحریر درآمده است. مانند کتاب ۱۰ جلدی معادشناسی از علامه طهرانی، کتاب معاد از

علامه شهید مطهری، کتاب دوجلدی معاد در قرآن از آیت‌الله جوادی آملی، کتاب معاد و جهان پس از مرگ از آیت‌الله مکارم شیرازی و... و موضوع معاد، در همواره مورد بحث متکلمان و فلاسفه اسلامی بوده است. ولی در عالم زرتشتی، هیچ کتابی که به صورت جداگانه به بحث از خصوص معاد زرتشتی بپردازد دیده نشد؛ تنها مباحث معاد در لابه‌لای متون زرتشتی بیان شده است.

در اوستا سخنی از رستاخیز و دوباره زنده شدن مردگان به میان نیامده است؛ تنها در متون پهلوی، به بحث از امکان معاد با تکیه بر آسانتر بودن آفرینش دوباره برای خداوند از خلقت نخستین، پرداخته شده است. ولی در قرآن کریم، علاوه بر استدلال مذکور در متون پهلوی، چندین استدلال دیگر، همراه با نمونه‌های فراوان حسی بر امکان زنده شدن مردگان به چشم می‌خورد.

در بسیاری از آیات قرآن، آشکارا و به‌صراحت از مبعوث شدن مردگان و واقعه رستاخیز، سخن به میان آمده است. اما در گاتها و سایر متون اوستایی، بند یا بندهایی که مستقیماً سخن از حتمی‌بودن بعث مردگان و روز رستاخیز (به عبارتی روز واپسین) باشد، دیده نشد، بلکه بندهایی در مورد پاداش و کیفر است که اشاره به روز واپسین دارد. البته، در متون پهلوی بندهایی وجود دارد که حاکی از این است که شخص زرتشتی باید به واقعه رستاخیز یقین داشته باشد.

مفسران و متفکران اسلامی، براین متعدد عقلی از آیات قرآن بر ضرورت معاد ارائه کرده‌اند که برهان عدالت خداوند، یکی از آنهاست. ولی با فحص و بررسی‌هایی که در متون زرتشتی انجام شد، برهان عقلی بر ضرورت معاد مستفاد از اوستا و متون پهلوی، یافت نشد. تنها می‌توان برهان عدالت بر ضرورت معاد را از بندهای اوستا و متون پهلوی برداشت کرد.

در اوستا، همان‌گونه که آشکارا سخنی از امکان معاد به میان نیامده است، از کیفیت معاد نیز بندی که ظهور در معاد جسمانی یا روحانی باشد، دیده نمی‌شود. کیفیت معاد را می‌توان از متون پهلوی برداشت کرد. ولی در قرآن، آیات فراوانی آشکارا در مورد کیفیت معاد بیان شده است. مفسران اسلامی مباحث زیادی از کیفیت معاد از نگاه قرآن، مطرح کرده‌اند.

از دیگر تفاوت‌های اساسی که می‌توان بیان کرد، این است که عمده مباحث دین زرتشتی در باب معاد را باید از متون پهلوی، که به‌منزله شرح و تفسیر روایات زرتشتی است، برداشت کرد؛ زیرا اگر کسی بخواهد در مباحث معاد، تنها به گات‌های زرتشت و تفاسیر آن و سایر کتب اوستایی بسنده کند و مطالبی را در این‌باره استخراج کند، با دشواری زیاد و ابهام روبه‌رو خواهد شد، اما قرآن کتاب مقدس

دین اسلام به صورت کامل و جامع، به بحث از معاد پرداخته است. اگر کسی مجموعه آیات معاد و تفاسیر ذیل آن را ملاحظه کند، برای او کفایت می‌کند.

در بحث کیفیت معاد زرتشتی، برخی معتقد بودند که رستاخیز و معاد در گات‌های زرتشت، روحانی بوده، ولی بعدها در عصر ساسانیان، رستاخیز جسمانی مطرح شد که یکی از شواهد این دیدگاه از بین رفتن اوستا و جمع‌آوری دوباره آن در زمان ساسانیان بود. ولی در آیات قرآن، به سبب تضمین مصونیت و حفظ آن از سوی خداوند متعال (ر.ک: حجر: ۹) و از بین نرفتن آن از صدر اسلام تاکنون، این تغییر رویکرد دیده نمی‌شود (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۱۵؛ مصباح، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۰۵).

نتیجه‌گیری

از آنچه که گذشت، می‌توان گفت: آموزه معاد از باورهای اساسی هر دو دین زرتشت و اسلام به‌شمار می‌آید. سه مقوله امکان، ضرورت و کیفیت معاد در هر دو دین آمده است؛ با این تفاوت که در گات‌های منسوب به زرتشت، سخنی در خصوص امکان معاد (رستاخیز مردگان)، یا کیفیت رستاخیز مردگان به میان نیامده است. همچنین در سایر کتب اوستایی بنابر ظاهر درباره این دو مقوله چیزی یافت نشد. مباحث مطرح‌شده در باب امکان و کیفیت معاد از متون پهلوی استفاده شد. همچنین در باب ضرورت معاد در متون پهلوی آمده است که زرتشتیان باید یقین به واقعه رستاخیز داشته باشند. در گات‌های زرتشت و سایر کتب اوستایی، بندی که این چنین مستقیم از ضرورت معاد یاد کند، یافت نشد، بلکه بیشتر در مورد کیفر و پاداش در روز واپسین بود. اما در قرآن کریم، آیات فراوانی پیرامون هر سه محور مذکور وجود دارد. از استدلال‌های عقلی، تجربی و حسی برای اثبات محورهای مذکور معاد استفاده شده است. بنابراین، اگر کسی بخواهد مباحث معاد را صرفاً با تکیه بر گات‌ها و تفاسیر آن و کتب اوستایی استخراج کند، با دشواری روبه‌رو خواهد شد علاوه بر این، برخی از محورهای مذکور معاد در اوستا، از آن ذکری به میان نیامده است. به همین دلیل، باید به متون پهلوی، که به‌منزله شرح و تفصیل نقاط اجمال و ابهام اوستا است، رجوع کرد. برخلاف قرآن، که هم سه محور مذکور و هم سایر مباحث معاد را می‌توان با توجه به مجموعه آیات و تفاسیر ذیل آن، برداشت کرد.

منابع

- ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۳۰۰ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- اردو ایراف نامه*، فیلیپ ژینو، ترجمه ژاله آموزگار، ۱۳۷۲، تهران، معین.
- اشیدری، جهانگیر، ۱۳۷۱، *دانشنامه مزدیسنا: واژه‌نامه توضیحی آئین زرتشت*، تهران، مرکز.
- اوستا*، گزارش و پژوهش: جلیل دوستخواه، ۱۳۷۴، چ دوم، تهران، مروارید.
- آذرگشسب، فیروز، ۱۳۶۵، «اصول بنیادی دین زرتشت از دید گات‌ها»، *فروهر*، ش ۶ و ۵، ص ۶۴-۷۰.
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی، ۱۳۸۲، *زبان پهلوی: ادبیات و دستورآن*، چ چهارم، تهران، معین.
- آموزگار، ژاله، ۱۳۷۴، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران، سمت.
- بارکای، ج. پ. آسموسن و مری بویس، ۱۳۸۹، *دیانت زرتشتی*، چ دوم، تهران، ثالث.
- باقری، مهری، ۱۳۸۵، *دین‌های ایران باستان*، تهران، قطره.
- باهر، محمدجواد، ۱۳۶۱، *دین شناسی تطبیقی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۹ه.ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، بیروت - لبنان، الاعلمی.
- بندهش هندی: متنی به زبان پارسی میانه (پهلوی ساسانی)*، ترجمه رقیه بهزادی، ۱۳۶۸، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بویس، مری، ۱۳۷۶، *تاریخ کیش زرتشت: اوانل کار*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، چ دوم، تهران، توس.
- _____، ۱۳۷۷، *چکیده تاریخ کیش زرتشت*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، صفعلی‌شاه.
- بهار، مهرداد، ۱۳۷۶، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران، آگاه.
- _____، ۱۳۸۲، *ادیان آسیایی*، چ چهارم، تهران، چشمه.
- جعفری، علی اکبر، ۱۳۵۳، *پیام زرتشت*، چ دوم، فروهر.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۰، *تفسیر موضوعی قرآن کریم: معاد در قرآن*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۲، *تفسیر موضوعی قرآن کریم: قرآن در قرآن*، چ یازدهم، قم، اسراء.
- حسینی علوی، ابوالمعالی محمد، ۱۳۱۲، *بیان الادیان در شرح ادیان و مذاهب جاهلی*، تصحیح عباس اقبال، تهران، مطبعة مجلس.
- حسینی طهرانی، محمدحسین، ۱۴۲۱ق، *معادشناسی*، چ پنجم، مشهد، علامه طباطبائی.
- حلی، جمال الدین، ۱۳۵۱، *کشف المراد: شرح تجرید الاعتقاد*، ترجمه و شرح فارسی ابوالحسن شعرانی، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۳۸۹، *تفسیر نور الثقلین*، ترجمه جمعی از فضلالی حوزه تفسیر با اشراف عقیقی بخشایشی، قم، نوید اسلام.
- خداوندی، مهربان، ۲۵۳۶ شاهنشاهی، *شناسائی زرتشت*، چ دوم، تهران، فروهر.
- خرازی، سید محسن، ۱۳۷۱، *قیامت بررسی مستند در اثبات معاد*، قم، قیام.
- خرده اوستا*، با ترجمه و تفسیر اردشیر آذرگشسب، ۱۳۵۴، چ سوم، بی‌جا، بی‌نا.
- خودپیت (=توبه خویش)*، ترجمه ابراهیم میرزای ناظر، ۱۳۶۷، تهران، فروهر.
- خورشیدیان، اردشیر، ۱۳۸۷، *جهان بینی اشوزرتشت*، چ دوم، تهران، فروهر.
- _____، ۱۳۸۶، *پاسخ به پرسش‌های دینی زرتشتیان*، چ دوم، تهران، فروهر.
- دارمستر، جیمس، ۱۳۸۲، *تفسیر اوستا*، ترجمه موسی جوان، تهران، دنیای کتاب.
- راشد محصل، محمدتقی، ۱۳۶۹، *نجات‌بخشی در ادیان*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____، ۱۳۸۲، *اوستا (ستایش نامه راستی و پاکی) - از ایران چه می‌دانم*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ق، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیه.
- ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۸۰، *عقاید استدلالی*، قم، نصایح.
- رضائیان حق، محمد، ۱۳۹۲، *کلام زرتشتی*، تهران، فروهر.
- روایات داراب هرمزد*، مانک رستم اون والا، ۱۹۲۲، بمبئی، بی‌نا.
- روایت پهلوی متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی)*، ترجمه مهشید فخرایی، ۱۳۶۷، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- زهر، آر. سی، ۱۳۸۴، *طلوع و غروب زردشتی‌گری*، ترجمه تیمور قادری، تهران، امیرکبیر.
- زندوهومن یسن*، ترجمه صادق هدایت، ۱۳۴۲، تهران، امیرکبیر.
- سیحانی، جعفر، ۱۳۶۹، *منشور جاوید: پیامون معاد در قرآن*، قم، موسسه سیدالشهداء علیه‌السلام.
- _____، ۱۳۷۰، *معادشناسی در پرتوی کتاب، سنت و عقل*، ترجمه علی شیروانی، تهران، الزهراء علیها‌السلام.
- سروده‌های زرتشت: ترجمه گاتها*، ترجمه سرودها از بزرگمهر کیانی؛ مقدمه و تفسیر از پورداوود، ۱۳۸۲، تهران، جامی.
- شاکد، شانول، ۱۳۸۷، *تحول ثنویت (تنوع آرای دینی در عصر ساسانی)*، ترجمه سیداحمدرضا قائم مقامی، تهران، ماهی.
- شاهرخ، کیخسرو، ۱۳۸۰، *زرتشت پیامبری که از نو باید شناخت «فروع مزدیسنی»*، تهران، جامی.
- شریعتی سبزواری، محمدباقر، ۱۳۶۳، *معاد در نگاه وحی و فلسفه*، تهران، دانشگاه تهران.
- شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، *الملل و النحل*، ۱۳۳۵، ترجمه افضل‌الدین صدر ترکه اصفهانی، تصحیح و ترجمه و تحشیه محمدرضا جلالی نائینی، تهران، اقبال.
- شهزادی، رستم، ۱۳۶۷، *جهان‌بینی زرتشتی*، تهران، فروهر.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۴۸، *شعبه در اسلام*، بی‌جا، الغدیر.
- _____، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، صححه حسین الاعلمی، بیروت، اعلمی.

بررسی تطبیقی امکان، ضرورت و کیفیت معاد در دین زرتشت و اسلام ❖ ۴۵

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۶ق، *معاد و جهان پس از مرگ*، قم، هدف.

_____، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامية.

خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۹۴ق، *البیان فی تفسیر القرآن*، ط.الثالثة، قم، المطبعة العلمية.

مهر، فرهنگ، ۱۳۷۴، *دیدنی نواز دینی کهن (فلسفه زرتشت)*، چ سوم، تهران، جامی.

مهرین، مهرداد، ۱۳۶۱، *آیین راستی یا یکتاپرستی زرتشت*، چ دوم، تهران.

مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، ۱۳۸۰، چ سوم، تهران، توس.

نیکنام، کوروش، ۱۳۸۵، *آیین اختیار*، تهران، تیس.

ویدن گرن، گنو، ۱۳۸۱، *جهان معنوی ایرانی از آغاز تا اسلام*، برگردان محمود کندری، تهران، میترا.

هینلز، جان راسل، ۱۳۷۱، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چ دوم، تهران: چشمه؛ بابل:

کتابسرای بابل.

یستا، تفسیر و تألیف ابراهیم پورداوود، ۱۳۸۰، تهران، اساطیر.

یشت‌ها، تفسیر ابراهیم پورداوود، ۱۳۷۷، تهران، اساطیر.

Boyce, Mary & Frantz Grenet, ۱۹۹۱, *History of Zoroastrianism*, With A Contribution, leiden: E.J.Brill.

Boyce, Mary, ۱۹۸۵, *Zoroastrianism (Their Religion Beliefs and Practices)*, London, Routledge & Kegan Paul.

Shaked, shaul, ۱۹۸۵, *eschatology in zoroastrianism*, in (*Encycloaedia of Iranica*), Edited by Ehsan Yarshater, London, New York, Routledge & Kegan Paul/Mazda Publishers.

Williams, alan, ۱۹۹۷, *Later Zoroastrianism*, in (*Companion encyclopedia of Asian philosophy*)

Edited by Brain Carr and Indira Mahalingam, London, Routledge.

الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، ۱۳۷۹ق، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

عدلی، محمدرضا، ۱۳۸۹، *فرجام‌شناسی مسیحی با نگاهی به پیشینه فرجام‌شناسی در سنت‌های زردشتی و یهودی*، قم، ادیان.

علی، امیر، ۱۳۶۶، *روح اسلام*، ترجمه ایرج رزاقی و محمدمهدی حیدپور، مشهد، آستان قدس رضوی.

فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۱۱ق، *التفسیر الکبیر او مفاتیح الغیب*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

قدردان فراملکی، محمدرحمن، ۱۳۹۳، *پاسخ به شبهات کلامی؛ دفتر پنجم: معاد*، چ دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قدردان، مهرداد، ۱۳۸۶، *جستاری در آیین زرتشت*، شیراز، خورشید.

قدیانی، عباس، ۱۳۹۲، مذهب و باورهای دینی در ایران «از ایران باستان تا پایان سلسله زندیه»، تهران، آرون.

قلی‌زاده، خسرو، ۱۳۸۷، *فرهنگ اساطیر ایرانی بر پایه متون پهلوی*، تهران، کتاب پارسه.

کتاب پنجم دینکرد، ترجمه و تعلیق ژاله آموزگار و احمد تفضلی، ۱۳۸۶، تهران، معین.

کریستن سن، آرتور، ۱۳۸۸، *مزدپرستی در ایران قدیم*، ترجمه ذبیح الله صفا؛ تهران، هیرمند.

گات‌ها. کهن ترین بخش اوستا، تألیف و ترجمه ابراهیم پورداوود، ۱۳۸۴، چ دوم، تهران، اساطیر.

گات‌ها سرودهای زرتشت، ترجمه و تفسیر فیروز آذر گشسب، ۱۳۸۴، چ سوم، تهران، فروهر.

گزیده‌های زاد سیرم، ترجمه محمدتقی راشد محصل، ۱۳۶۶، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

متن‌های پهلوی، گردآورنده جاماسب جی منوچهر جاماسب آسانا، پژوهش سعید عریان، ۱۳۹۱، تهران، علمی.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.

مجموعه قوانین زردشت یا ون‌دیاد اوستا: ترجمه از سانسکریت و پهلوی، نویسنده جیمس دارمستتر، ۱۳۸۲، ترجمه

موسی جوان، تهران، دنیای کتاب.

محلوجی، محمد، ۱۳۷۰، *انسان و ابدیت (معاد در آئینه تاریخ)*، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی.

مرتضی الزبیدی، محمد، ۱۳۰۶ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالمکتبه الحیة.

مزدپور، کنایون، ۱۳۸۲، *زرتشتیان (از ایران چه می‌دانم)*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

_____، ۱۳۹۱، *چند سخن*، به کوشش ویدا نداف، تهران، فروهر.

مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۶، *معارف قرآن: خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی

_____، ۱۳۸۸، *قرآن شناسی*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

_____، ۱۳۸۷، *اخلاق در قرآن*، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۶ق، *التمهید فی علوم القرآن*، ط.الثانية، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

مقدسی، ابی‌زید احمدبن سهل البلخی، بی‌تا، *البدء و التاريخ*، بی‌جا، المکتبه الثقافه الدینیة.